

مطالعه تطبیقی علل سیاسی و مذهبی شیعه‌ستیزی در جهان عرب

(۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ م)

محمد رضا زارع خورمیزی^۱

چکیده

کنش‌های شیعه‌ستیزانه در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی در کشورهای عربی افزایشی محسوس یافت و این سؤال در ذهن ناظران نقش بست که آیا این افزایش محسوس ادامه فرآیند شیعه‌ستیزی تاریخی و تداوم تعارضات مذهبی قبلی است یا موضوعی فراتر از آنهاست و به متغیرهای سیاسی برمی‌گردد؟ فرضیه این پژوهش براساس تحلیل محتوای داده‌های موجود و بهره‌گیری از برهان اَنّی (استفاده از معلول برای کشف و توصیف علت)، حاکی از این است که علل کنش‌های شیعه‌ستیزانه جدید در چند دهه اخیر جهان عرب منحصر به ریشه‌ها و متغیرهای طائفی-مذهبی نیست، بلکه دلایل اصلی آن را باید در علل و عوامل فکری، سیاسی، اقتصادی و انگیزشی جدید جست‌وجو کرد که محوری‌ترین آنها عامل سیاست، اعم از داخلی و خارجی، است که به شیعه‌هراسی جدید در جوامع عربی دامن زده و زمینه کنش‌های شیعه‌ستیزانه گسترده را در دو دهه اول قرن بیست و یکم میلادی (۲۰۰۱-۲۰۲۱) فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: شیعه‌ستیزی، شیعه‌هراسی، شیعیان عرب، تکفیر.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی اهل بیت . mohaqqzare@gmail.com

مقدمه

این نوشتار به مطالعه تطبیقی علل سیاسی و مذهبی شیعه‌ستیزی در جهان عرب در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ میلادی اختصاص دارد. کنش‌های شیعه‌ستیزانه یا شیعه‌ستیزی (Anti-Shi'ism) هرگفته یا عملی است که با هدف دشمنی با اعتقادات و آیین‌های شیعه به کار می‌رود و وجوه مختلف ستیز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با مسلمانان شیعه را به دلیل شیعه‌بودنشان شامل می‌شود. (Kedourie, 1988:249) البته در آثار و منابع معاصر عربی واژه‌هایی مانند «اضطهاد الشیعه»، (داود، ۱۹۹۴: ۴) و «العنف ضد الشیعه» (مندلاوی، ۲۰۰۸: ۲۰۳) نیز برای رساندن مفهوم شیعه‌ستیزی به کار رفته است. مقصود از جهان عرب ۲۲ کشور عربی عضو «اتحادیه کشورهای عربی» (جامعة الدول العربیة / Arab League) هستند که وسعت آن‌ها ۱۳,۱۳۰,۶۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن‌ها بیش از چهارصد میلیون نفر است؛ و شامل کشورهای عراق، عربستان، یمن، عمان، امارات، قطر، بحرین، کویت، سوریه، اردن، لبنان و فلسطین در آسیا و کشورهای مصر، الجزایر، مراکش، لیبی، تونس، سودان، سومالی، جیبوتی، موریتانی و جزایر کومور (قمر) در آفریقا می‌شود. محدوده زمانی این پژوهش ۲۰ سال بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی است. این دوره از این جهت اهمیت دارد که پس از حوادث یازده سپتامبر، حمله آمریکا به افغانستان و عراق و سقوط طالبان (۲۰۰۱) و صدام (۲۰۰۳) رویدادهای مهمی در خصوص شیعیان عرب رخ داد؛ موفقیت مسلمانان شیعه عراق در تشکیل حکومت جدید (۲۰۰۵)، پیروزی حزب الله لبنان بر رژیم صهیونیستی (۲۰۰۶)، حرکت گسترده شیعه بحرین (فوریه ۲۰۱۱) و موفقیت شیعیان یمن در سرنگونی رژیم دیکتاتوری این کشور و تأسیس دولت نجات ملی (۲۰۱۵) بخشی از این وقایع بود که متعاقب این وقایع، کنش‌های شیعه‌ستیزانه نیز در دنیای عرب رشد محسوسی یافت (کشاورز شگری، غفاری، فهیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۷) و این پرسش را به وجود آورد که علل رشد این

کنش‌های شیعه‌ستیزانه چیست و آیا رشد این کنش‌ها ادامه فرایند شیعه‌ستیزی مذهبی و تاریخی است یا فراتر از آن تحت تأثیر متغیرهای جدید خصوصاً در عرصه سیاست است؟ طبیعی است تجزیه و تحلیل کارشناسی و تطبیقی علل، عوامل و انگیزه‌های شیعه‌ستیزی جدید در جهان عرب کمکی شایان به سیاست‌گذاری صحیح فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی برای مقابله با این پدیده می‌کند؛ از این رو تبیین تطبیقی تفاوت‌های ماهوی علل شیعه‌ستیزی تاریخی با شیعه‌ستیزی معاصر در جهان عرب و بررسی محوریت سیاست‌گذاری‌های خارج از جهان اسلام در شیعه‌هراسی معاصر در جهان عرب را می‌توان از نوآوری‌های این پژوهش به شمار آورد.

پیشینه بحث

در دهه ۱۹۹۰ میلادی کتاب «شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده»، اثر گراهام فولر و رند رحیم فرانکه این پیام را دنبال می‌کرد که شیعیان عرب در منطقه استراتژیک و ژئواکونومیک (محل ذخیره منابع انرژی دنیا) سکونت دارند؛ از این رو ضرورت دارد آمریکا با دقت بیشتری به موضوع آنها بپردازد تا بتواند منافع درازمدت خود را حفظ کند. مدتی بعد کتاب «شیعیان در جهان عرب مدرن» اثر فؤاد ابراهیم و اسحاق نکاست، کوشید تحولات و تکامل جریان اپوزیسیون شیعی ساکن در کشورهای عربی و عوامل تأثیرگذار متقابل بر آن‌ها را بررسی کند. همچنین مقاله «چرایی و چگونگی بازخیزش و نقش آفرینی شیعیان منطقه (خلیج فارس)» به انرژی نهفته پس از سقوط صدام چونان عاملی تأثیرگذار بر هویت و رفتار سیاسی شیعیان عرب اشاره می‌کرد و ظهور شیعیان عرب در ژئوپولیتیک منطقه و بازیگری در صحنه سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس را واقعیتی انکارناپذیر می‌دانست. (رک: زمانی و مهریان، ۱۳۹۱: ۹۰) همچنین مقاله «از جنبش تا نهاد، بازخیزی شیعیان خاورمیانه»،

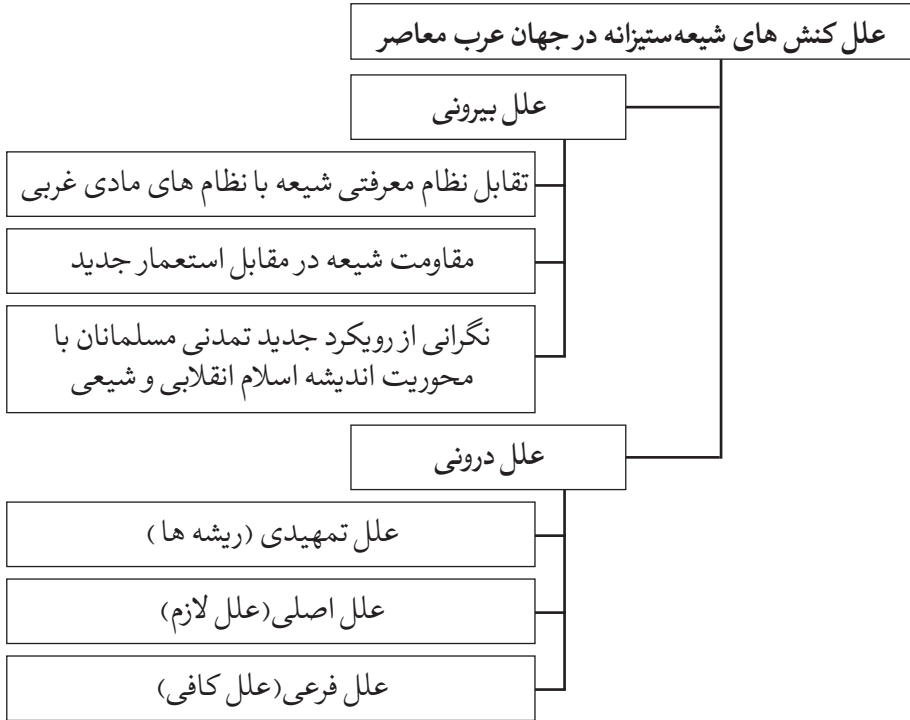
سعی کرد حرکت‌های جدید در میان شیعیان عرب را گویای سرنوشت محتوم آن‌ها برای احیای حقوق نادیده گرفته شده‌شان بدانند. (مجیدی، ۱۳۹۱: ۳۵) آثار فوق هرکدام بخشی از داده‌های پژوهش حاضر را فراهم کرده‌اند، ولی هیچ‌کدام به صورت تخصصی به مقایسه تطبیقی علل و عوامل سیاسی و مذهبی رشد کنش‌های شیعه‌ستیزانه در جهان عرب معاصر پرداخته‌اند. همچنین نگارنده این سطور در کتابی به نام «نسل‌کشی سادات و مسلمانان شیعه» علل شیعه‌ستیزی تاریخی و تا حدی معاصر را مورد بررسی قرار داده (زارع خورمیزی، ۱۳۹۵: ۷۷۷.۷۱۰) و در مقاله «گونه‌شناسی جهان تکفیر در جهان اسلام بر اساس خاستگاه سیاسی» تأثیر گونه‌های تکفیر رسمی (حکومتی) و تکفیر غیررسمی (غیرحکومتی) بر شیعه‌ستیزی معاصر را مورد پژوهش قرار داده (زارع خورمیزی، ۱۳۹۹: ۴۹) و در مقاله «گونه‌شناسی و علل شیعه‌ستیزی معاصر» تلاش کرده علل مختلف شیعه‌ستیزی عصر حاضر را ریشه‌یابی نماید. (زارع خورمیزی، ۱۴۰۰، ۳۳۷.۳۰۹) همچنین نگارنده در طرح پژوهشی «شیعه‌هراسی معاصر» فارغ از شیعه‌ستیزی تاریخی، عرصه‌های مختلف و علل شیعه‌ستیزی جدید در صد سال اخیر را به تفکیک هر کشور بررسی کرده است که داده‌ها و نتایج این آثار پشتوانه مناسبی جهت تحلیل بهتر موضوع این پژوهش به شمار می‌رود. روش پژوهش در این تحقیق تحلیل محتوا و بهره‌گیری از داده‌های معلولی برای کشف علت (برهان اثباتی) است.

تقسیم‌بندی علل (چارچوب نظری بحث)

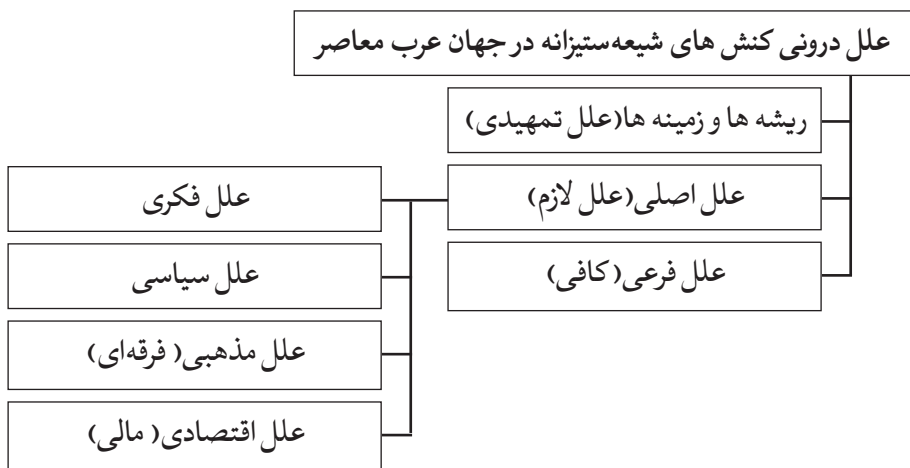
علل رشد کنش‌های شیعه‌ستیزانه جدید در جهان اسلام به‌طور عام و در جهان عرب به صورت خاص، به دو دسته مهم علل و عوامل بیرونی و درونی تقسیم می‌شود. علل درونی را می‌توان در چهار دسته ریشه‌ها (علل تمهیدی) علل اصلی (لازم) و علل فرعی (کافی) تقسیم‌بندی کرد و علل اصلی در چهار دسته علل فکری،

سیاسی، مذهبی (فرقه‌ای) و اقتصادی قابل جمع‌بندی است. علل فکری را می‌توان در تقابل نظام فکری شیعه با نظام‌های فکری حاکمان جهان عرب و هراس از اندیشه انقلابی در میان ملت‌های عرب شیعه دانست که باعث شده اختلافات عادی اندیشه‌ای توسط حکومت‌ها به چالش هویتی تبدیل گردد. این اندیشه انقلابی در عرصه عمل سیاسی با رویکرد مردم‌سالاری دینی در بیداری اسلامی معاصر جهان عرب تأثیر گذاشته و باعث طرح خطر هلال شیعی از سوی پادشاهان عرب شده است. در عرصه علل سیاسی بسیار دیده شده که کنش‌های شیعه‌ستیزانه قبل از اینکه موضوعی مذهبی باشد، عاملی برای رسیدن به قدرت و یا حفظ آن بوده است. از طرف دیگر محور قرار گرفتن تدریجی شیعیان در جریان مقاومت ضد صهیونیستی باعث به چالش کشیده شدن مواضع سازش‌کارانه حکومت‌های عربی شده و آنها را به سوی هم‌گرایی با رژیم صهیونیستی در جهت سیاست‌های شیعه‌ستیزانه سوق داده است. گرایش جوانان عرب به اندیشه ظلم‌ستیزانه و ضد صهیونیستی شیعی نیز نگرانی مفتیان رسمی سلفی را برانگیخته و باعث همراهی بیشتر آنان با سیاست حاکمان در جهت فتاواهای شیعه‌ستیزانه شده است. در کنش‌های شیعه‌ستیزانه علل و عوامل اقتصادی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. نگرانی آمریکا و غرب و رژیم‌های عرب همسوبا آنان در خصوص موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک شیعه و حضور شیعیان در مناطق مهم جغرافیایی خاورمیانه در کنار ذخایر انرژی، موضوعی است که به کنش‌های شیعه‌ستیزانه آنان دامن می‌زند. البته در این مجال تنها به بررسی تطبیقی علل سیاسی و مذهبی پرداخته خواهد شد.

نمودار شماره ۱: علل کنش های شیعه ستیزانه در جهان عرب معاصر



نمودار شماره ۲: علل درونی کنش ها کنش های شیعه ستیزانه در جهان عرب معاصر



نمودار شماره ۳: علل اصلی درونی کنش‌های شیعه‌ستیزانه در جهان عرب معاصر



علل سیاسی شیعه‌ستیزی در جهان عرب

رسیدن به قدرت و یا حفظ آن

تاریخ سیاسی دنیای عرب معاصر نشان می‌دهد برخی برای رسیدن به قدرت به بزرگ‌نمایی خطر شیعه در جامعه پرداخته‌اند، اگرچه اعتقاد درستی به اسلام خواه سنی و یا شیعه ندارند و تنها به دنبال قدرت و حکومت هستند؛ مانند رژیم بعثی و شخص صدام حسین در عراق و آل خلیفه در بحرین که با القای خطر شیعه موفق شدند حتی مخالفان سنی خود را نیز کنار بزنند. بر همین اساس «سازمان دیده‌بان

حقوق بشر» بر این باور است که طایفه‌گرایان در کشورهایمانند بحرین قدرت خود را از تنفرزایی میان شیعه و سنی کسب می‌کنند و با بزرگ جلوه دادن خطر شیعه به دنبال قدرت هستند. (iqna، ۱۳۹۴: کد ۶۴۲۹۳۷) امروزه نیز معمول حکومت‌های خودکامه عرب برای حفظ دیکتاتوری خویش مشکلات درونی خود را به شیعه و بنیادگرایی اسلامی نسبت می‌دهند و به بزرگ‌نمایی خطر موهوم شیعه می‌پردازند و ناکارآمدی خود را به اقدامات شیعیان نسبت می‌دهند (المعشنی، ۱۳۹۱: کد: ۵۰۱۸۴).

گسترش نفوذ در کشورهای دیگر

فرقه‌گرایی ابزاری استراتژیک ارزشمند برای گسترش نفوذ پادشاهی‌های عرب خصوصاً عربستان سعودی در نقاط دیگر جهان اسلام به شمار می‌رود، چراکه آنها با رویکرد شیعه‌هراسی به سرکوبی جریان‌ات آزادی‌طلب و گسترش نفوذ خود در نقاط دیگر می‌پردازند. افزون بر آن با پررنگ کردن «خطر شیعه» برای غرب و اسرائیل از حمایت آمریکا و صهیونیسم برخوردار می‌شوند و با پررنگ کردن خطر شیعه، رهبری و محوریت خود را با شعار «حفظ مذهب تسنن در مقابل روافض» بر جهان عرب و حتی تسنن تحمیل می‌کنند؛ بنابراین تا زمانی که «وهابیت» از ارکان اصلی رژیم‌هایی نظیر سعودی، امارات، قطر و... باشد، شیعه‌هراسی بنابر منافع آنها به صورت گسترده‌ای به کار گرفته خواهد شد. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۶: ۵) از سوی دیگر سعودی‌ها به هیچ‌وجه مایل نیستند موقعیت ویژه خود را در دنیای عرب از دست بدهند؛ از این رو افزایش جایگاه عراق، یمن و سوریه با حکومت‌های شیعی و علوی مایه نگرانی سعودی‌ها و کشورهای همسوبا آن در مورد کاهش نقش منطقه‌ای خود شده است و به دلیل جمعیت بالای شیعیان در منطقه خلیج فارس و ضعف مشروعیت داخلی رژیم‌های پادشاهی منطقه خلیج فارس، آنها به دنبال نوعی انسجام داخلی برآمده‌اند؛ به همین دلیل با بزرگ‌نمایی خطر شیعه در سطح منطقه و بین‌الملل به دنبال حفظ موقعیت قبلی

خود هستند. (داودی و ابوذری، ۱۳۹۱: ۹۱) از این رو سعودی‌ها در مورد نفوذ تشیع و ایران بیش از حد اغراق می‌کنند و به صورت مکرر به سران عرب هشدار می‌دهند که جهان عرب در معرض نفوذ خطرناک ایران قرار دارد. (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۴۴)

انتقال بحران‌های داخلی به خارج از کشور

یکی دیگر از علل دامن زدن به شیعه‌هراسی توسط حکومت‌های عربی انتقال بحران‌های داخلی به خارج از کشور است به طور مثال با رشد فرهنگ غربی در شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس نظیر کویت، عربستان و امارات برخی از سنت‌گرایان سلفی که از تغییر اوضاع فرهنگی کشورهاشان ناراضی بودند به جریان‌های سلفی تندرو روی آوردند لذا مراکز تصمیم‌گیری در این حکومت‌ها تخلیه انرژی این سلفی‌ها را انتقال نگاه آنها به خطرات خارج از کشورهاشان تشخیص دادند. بنابراین در یک دوره با پررنگ کردن بیش از حد خطر کمونیسم نگاه آنها را از خطر غرب و سرمایه‌داری و وابستگی خودشان به آمریکا، به جهاد در افغانستان معطوف کردند. و نزدیک به یک دهه تندروهای سلفی را که تشخیص می‌دادند خطری برای آنها در داخل کشور باشند به جهاد در افغانستان سوق دادند. بعد از پایان نبرد افغانستان وقتی نگاه بخشی از سلفی‌ها به سمت جهاد با آمریکا معطوف شد حکومت‌های عربی کوشیدند با پررنگ کردن خطر شیعه آنان را به سمت جهاد با شیعه سوق دهند، چراکه «تکفیری‌ها مرزهای جغرافیایی را مرزهای اعتقادی معرفی می‌کنند و جریان‌های تکفیری در اختلافات مذهبی به وجود می‌آیند؛ بنابراین کشورهایی مانند عربستان و قطر با دامن زدن به اختلافات مذهبی، خود را حفظ می‌کنند». (علینزاده، ۲۰۱۵: ۱)

رقابت در شیعه‌هراسی برای پر کردن خلأ رهبری جهان عرب

از بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی عثمانی و استقلال کشورهای عربی، دنیای عرب

همواره در خلأ رهبری و مدیریت هوشمندانه، عقلانی و متمرکز قرار داشت؛ از این‌رو از سال‌ها پیش رقابت سنگینی برای پرکردن این خلأ وجود داشته است؛ ابتدا مصری‌ها با رهبری جمال عبدالناصر کوشیدند رهبری جهان عرب را در دست بگیرند، ولی با مرگ ناصر و شکست مصر از اسرائیل و عقد پیمان ذلت بار کمپ دیوید این رؤیا به پایان رسید. سپس صدام حسین در دهه ۱۹۸۰ میلادی با پررنگ کردن دعوی موهوم عربی. عجمی و حمله به ایران و اعلام لقب خودخوانده سردار قادسیه برای خویش تلاش کرد خود را رهبر اعراب بنامد ولی او نیز با خروج خفت‌بار از اراضی ایران و حمله به کویت برای جبران این شکست و سپس نابودی رژیم بعث و زیرساخت‌های عراق در حمله آمریکا و متحدین رؤیایش خاتمه یافت با خروج مصر و عراق از گردونه رقابت، تلاش سعودی‌ها برای پرکردن خلأ رهبری جهان عرب و حتی جهان اسلام افزایش یافت؛ از این‌رو عربستان سعودی با پشتوانه آمریکا و غرب و همراهی رژیم‌های پادشاهی عرب شامل شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس، اردن و مراکش که ویژگی محافظه‌کاری و حفظ وضع موجود و نزدیکی به غرب را دارند، می‌کوشد گفتمان سلفی خود را به گفتمان غالب در دنیای عرب تبدیل کند. عربستان سعودی در این مسیر موفق شد با حمایت از کودتایان در مصر جریان اخوان المسلمین را هم کنار بزند. جریان اخوانی که نزدیک به یکصد سال در عالم عرب و جهان اسلام به فعالیت اجتماعی و سیاسی مشغول بود با انقلابات عربی ۲۰۱۱ در تونس و مصر به قدرت رسید. اخوانی‌ها بعد از به قدرت رسیدن در مصر با سادگی به جریان سلفی سعودی اعتماد کردند و از سیاست‌های مشترک غرب و جریان محافظه‌کار و سلفی عرب در عراق و سوریه حمایت کردند و به جریان مقاومت ضد صهیونیستی پشت کردند و خواست ملت‌های خود را در قطع رابطه با رژیم صهیونیستی نادیده گرفتند؛ از این‌رو خیلی زود نتیجه اعتماد خود را در حمایت غرب، سعودی‌ها و سلفی‌ها از کودتایان مصر دیدند و از گردونه سیاست‌گذاری محوری در جهان عرب تقریباً خارج

شدند؛ بنابراین در عرصه سیاست‌گذاری کلان در جهان عرب دو گفتمان متقابل باقی ماندند: گفتمان غرب‌گرا و حامی سیاست‌های آمریکا و محافظه‌کار نسبت به رژیم صهیونیستی که در سطح حکومت‌های عربی در اکثریت قرار دارد و می‌کوشد خود را چونان گفتمان غالب در سیاست‌گذاری جهان عرب و جهان اسلام حفظ کند و در مقابل این گفتمان، گفتمان مقاومت قرار دارد که از نظام اسلامی در ایران تأثیر گرفته و در ملت‌های عرب از حمایت شایان توجهی برخوردار است و می‌توان ادعا کرد گفتمان غالب مردمی در جهان عرب را تشکیل می‌دهد، ولی در عرصه حکومت و سیاست در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی در چند دولت عربی بیشتر اجازه ظهور نیافت، دولت‌های سوریه، دولت نجات ملی یمن (انصار الله) و بخش‌هایی از حاکمیت لبنان و عراق (پس از صدام) که از گفتمان مقاومت حمایت کرده و می‌کنند معمولاً هدف چالش‌های شدید از جانب جریان محافظه‌کار و غرب‌گرا قرار گرفته‌اند در آفریقای عربی نیز دولت سودان تا اواخر دهه اول قرن ۲۱ میلادی موافق جریان مقاومت بود، ولی در مقابل فشار سعودی‌ها و هم‌پیمانانش تاب نیاورد و به جرگه آنان پیوست و به قطع رابطه با جمهوری اسلامی ایران و برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی اقدام کرد. نکته مهم در کنش‌های شیعه‌ستیزانه در جهان عرب این است که گفتمان غرب‌گرا برای حفظ تسلط خود بر بخش عمده جهان عرب و دست‌اندازی بر بخش باقیمانده هم از دعوای موهوم عربی، عجمی امثال صدام بهره می‌برد و هم از دعوای شیعه‌سنی به طرز گسترده‌ای استفاده می‌کند؛ از این رو سعودی‌ها که به دنبال تسلط فکر سلفی مطابق قرائت خود بر جهان عرب هستند، برای اینکه اکثریت اعراب اهل تسنن اعراب را پشت سر خود قرار دهند، همواره در آتش شیعه‌هراسی می‌دمند. البته غیر از سه جریان یادشده (جریان غرب‌گرا با مایه سلفیت رسمی، جریان اخوانی تضعیف‌شده و جریان مقاومت) جریان چهارمی نیز در دنیای عرب و اسلام به دنبال پر کردن خلأ رهبری است و آن جریان سلفی تکفیری است. این جریان در اعتقادات و برداشت

خاص از اسلام با جریان سلفیت رسمی و قرائت سعودی از اسلام قرابت و مشترکات زیادی دارد. سلفیه تکفیری غیررسمی (نظیر القاعده) اگرچه در نوع برخورد با غرب با سلفیه تکفیری رسمی (سعودی) اختلاف دارد، ولی در شیعه‌ستیزی با یکدیگر کاملاً اشتراک نظر دارند. به همین دلیل در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی به روشنی مشاهده شد عربستان سعودی و رژیم‌های همسو با آن هماهنگ با سیاست‌های آمریکا و غرب برای سرنگونی دولت‌های متمایل به جریان مقاومت در عراق و سوریه و نابودی مجموعه‌های سیاسی موافق با مقاومت مانند حزب الله لبنان و انصارالله یمن، به صورت گسترده‌ای از گروه‌های تکفیری تندرو متعلق به جریان تکفیر غیررسمی در دنیای عرب حمایت کردند. (Cockburn, 2013: pl)

شیعه‌هراسی برای مقابله با گفتمان دموکراتیک شیعیان در دنیای عرب

گفتمان سیاسی شیعیان با رویکرد دموکراتیک، و پیوند آن با گفتمان جهانی گرایش به مردم‌سالاری، باعث عکس‌العمل منفی گفتمان استبداد حاکم بر اکثر کشورهای عربی با شهروندان شیعه شده است و به‌رغم خواست دموکراتیک و آرام شهروندان شیعه عرب، خشونت علیه شیعیان توسط نظام‌های مستبد افزایش یافته است. (کلان فریبایی و شیرودی، ۱۳۹۶: ۷-۳۶) شگفت آنکه گفتمان سیاسی شیعیان عرب به‌رغم اینکه در فرایند رشد خود با مدل سازگار با نظام بین‌الملل یعنی دموکراتیزه‌سازی جوامع، به این عرصه گام نهاده بود و با پرهیز از هرگونه تحجر و جمود، به مسیر خود ادامه می‌داد، مورد مخالفت نظام‌های غربی که خود را مروج دموکراسی در عالم می‌دانند قرار گرفت! و برعکس، رژیم‌های مستبد در جهان عرب از چتر حمایتی بیشتر آمریکا و غرب برخوردار شدند. خواست‌های دموکراتیک شیعیان به نسبت کشورهای مختلف عربی متغیر است؛ در برخی کشورها مانند عراق، یمن و بحرین شیعه خواستار مشارکت حداکثری در حکومت و سیاست است و این با درصد

جمعیت شیعی این کشورها نیز تطابق دارد و در برخی کشورها مانند لبنان، شیعیان تنها به دنبال حضور در فرایند تقسیم قدرت هستند و در برخی دیگر مانند عربستان و کویت به مشارکت حداقلی در قدرت سیاسی کشور قانع هستند. (بصیری، نساجی، ۱۳۹۱: ۷۶) نکته برجسته در تحول اندیشه سیاسی شیعیان عرب در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی اینجاست که مراجع و نخبگان شیعی به تدریج جمهوریت مبتنی بر آرای مردم و غیرمعارض با شرع را به عنوان مدل نظام حکومتی مطلوب در زمان حاضر پذیرفته‌اند و امثال آیت‌الله سیستانی در عراق، آیت‌الله شیخ نعیم قاسم در بحرین، آیت‌الله مه‌ری در کویت بر آن پافشاری کردند؛ به طوری که آیت‌الله سیستانی با پافشاری بر برگزاری انتخابات مستقیم، تدوین قانون اساسی توسط نمایندگان منتخب مردم، انتقال قدرت به نخست‌وزیر منتخب از جانب پارلمان و... موجب واگذاری قدرت از الیگارشی سنتی به نمایندگان مردم و زمینه‌سازی برای خروج اشغال‌گران از عراق شد. (بصیری و سالدورگر، ۱۳۹۱: ۷۳ و ۷۴) طبعاً این‌گونه عملکرد دموکراتیک گفتمان شیعه، روند ضد دموکراتیک طائفه‌گرایی را نیز به چالش می‌کشد، به همین دلیل نظام‌های استبدادی حاکم بر دنیای عرب با رویکردهای قوم‌گرایانه و فرقه‌گرایانه هم‌گرایی بین خود را تشدید کرده و خشونت علیه شهروندان شیعه را هماهنگ کردند. ولی مردم‌سالاری دینی به راه خود ادامه داد و با سقوط رژیم استبدادی صدام در عراق ۲۰۰۳ و سقوط علی عبدالله صالح و سپس معاونش عبدالربه منصور در یمن در سال ۲۰۱۵، موجب روی کار آمدن نظام‌هایی با گرایش به مردم‌سالاری در بغداد و صنعا گردید و در تشدید جهانی شدن گفتمان سیاسی شیعی با روند گرایش جهان به نظام سازی دموکراتیک تأثیرگذار بود و به نقش‌آفرینی بیشتر شیعیان در ساختار قدرت و حکومت انجامید و باعث تغییر در وزن سیاسی و منزلت ژئوپلیتیک شیعیان در خاورمیانه گردید. (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۴) موضوعی که به هیچ‌وجه خوشایند نظام‌های استبدادی، طائفه‌گرا و وابسته نبود؛ بنابراین برخی معتقدند نگرانی طراحان خطر هلال

شیعی بیش از آنکه از عنصر مذهبی ناشی گردد از عنصر مردم‌سالاری و نهادینه شدن آن در کشورهای شیعه‌نشین نظیر عراق، بحرین، یمن و سرایت آن به دیگر کشورهای خاورمیانه ناشی می‌شود. (ملکی، ۱۳۸۹، دیپلماسی ایرانی، کد ۷۶۷۶) بر همین اساس پس از سقوط صدام، هنگامی که شیعیان عراق از طریق مسالمت‌آمیزترین راه یعنی صندوق رأی موفق به تشکیل دولت شدند، رژیم‌های پادشاهی و مستبد عربی این دولت را به رسمیت نشناختند و نزدیک به دو دهه از تروریسم تکفیری در عراق حمایت کردند و موجب یک جنگ داخلی تمام‌عیار و کشتار جمعی صدها هزار مسلمان شیعه و سنی در عراق شدند. در مورد یمن هم به‌رغم استعفا و فرار عبدالربه منصور و تسلط مسلمانان شیعه این کشور بر سرنوشت خود و توافق با دیگر احزاب، سعودی‌ها از سال ۲۰۱۵ تاکنون (۲۰۲۱) با تشکیل یک ائتلاف نظامی از رژیم‌های همسوبا خود و با حمایت غرب یک جنگ تمام‌عیار و خونین را بر مردم یمن تحمیل کردند که موجب کشتار جمعی دهها هزار شهروند یمنی از جمله کودکان و نابودی زیرساخت‌های این کشور شد. (ایراندوست، iribnews.ir؛ ۱۳۹۹؛ کد ۳۰۳۷۲۸۱) «طوفان قاطعیت»، نام این عملیات است که پس از لشکرکشی به بحرین و سرکوب خواسته‌های دموکراتیک مردم این کشور، دومین پیام سعودی و متحدانش به ملت‌های خاورمیانه به شمار می‌رفت که ریاض و هم‌پیمانانش نمی‌خواهند مردم‌سالاری را در اطراف خود مشاهده کنند و در این مسیر از حمایت آمریکا و غرب نیز برخوردارند. همچنین تاریخ و پرونده نظام‌های تک‌حزبی قبل از سقوط در کشورهای شیعه‌نشین عرب مانند عراق (زمان حاکمیت ۳۷ ساله حزب بعث و دیکتاتوری حسن البکر و صدام) یمن (زمان حاکمیت ۴۰ ساله حزب کنگره ملی و دیکتاتوری علی عبدالله صالح) بحرین (زمان حاکمیت دیکتاتوری آل خلیفه تاکنون) و... مملو از سرکوب‌گری، قتل و کشتار جمعی علیه هواداران احزاب دیگر خصوصاً احزاب اسلام‌گرای شیعی است. قتل آیت‌الله سید محمدباقر صدر بنیان‌گذار حزب الدعوه و کشتار هواداران آن حزب در عراق توسط حاکمیت

تک‌حزبی بعث، قتل سید حسین الحوثی بنیان‌گذار تشکل سیاسی شباب مؤمن و کشتار هواداران آن توسط حاکمیت تک‌حزبی حزب علی عبدالله صالح، زندانی کردن و شکنجهٔ مسئولان حزب الوفاق نظیر شیخ علی سلمان از سوی آل خلیفه و... نمونه‌هایی از تأثیر دیکتاتوری خاندانی در قالب استبداد تک‌حزبی و در خشونت علیه مسلمانان شیعه عرب به شمار می‌رود. بنابراین بر همگان واضح است که برقراری دموکراسی و «جایگزینی نظام‌های دموکراتیک به جای نظام‌های استبدادی فعلی در دنیای عرب می‌تواند منجر به نقش‌آفرینی بیشتر شیعیان در ساختار قدرت و حکومت گردیده و در نتیجه باعث تغییر در وزن و منزلت ژئوپلیتیکی شیعیان در خاورمیانه گردد». (زرقانی و قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۱) به همین جهت گراهام فولدر در ریشه‌یابی سرکوب خواست‌های دموکراتیک شیعیان عرب به هراس رژیم‌های استبدادی عرب از دموکراسی اشاره می‌کند و می‌گوید: «با تأسف اکثر این رژیم‌ها ترجیح می‌دهند به جای آنکه با مخالفان سیاسی به گفت‌وگو بنشینند با مسئله «تروریسم» روبه‌رو باشند و مایلند واشنگتن را نیز با همین نگرش موافق سازند». (فولرو فرانکه، ۱۳۸۴: ۴۷۶) شگفت آنکه هرگاه در نقطه‌ای که شیعیان اکثریت دارند و موفق می‌شوند بعد از سال‌ها سرکوبی و مبارزه نمایندگانی را در یک فرایند دموکراسی ولو ضعیف به پارلمان بفرستند تا از حقوق آنها دفاع کنند طایفه‌گرایان موضع منفی می‌گیرند و بر نابودی آن دموکراسی تأکید می‌کنند؛ همان‌طوری که سعودی‌ها در تجاوز نظامی به بحرین فرآیند قبلی سیاسی که به صورت اندک حضور شیعیان در مجلس را در قالب حزب وفاق ملی پذیرفته بود به تعطیلی کشاندند.

کنش‌های شیعه‌ستیزانه به دلیل مقابله شیعیان با رژیم صهیونیستی

مقاومت اسلامی در چند دهه اخیر کوشید با محوریت جمهوری اسلامی ایران جریان مقاومتی جدی و مردمی را در مقابل رژیم صهیونیستی ایجاد کند و به تدریج باعث

شکست اسرائیل در برخی از مناطق، مانند جنوب لبنان و غزه، شود. (Blanton, ۲۰۱۳; McGirk, ۲۰۰۹) پژوهشگران غربی مانند زیگنیو برژینسکی (Zbigniew Brzezinski) اوضاع و احوال برآمده از پایداری گفتمان مقاومت در مقابله با رژیم صهیونیستی را بسیار پیچیده، و سلسله‌گردان اصلی آن را نظام اسلامی ایران می‌دانند. از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان شیعه در دایره هواداران مقاومت اسلامی نزدیک‌ترین مجموعه‌ها بودند، لبه تیز حملات صهیونیسم بین‌الملل متوجه آنها شد (کشاورز شکری و فهیمی، ۱۳۹۷: ۱۱۱-۱۳۳) و صهیونیست‌ها مستقیماً وارد عرصه‌های مختلف شیعه‌ستیزی و شیعه‌هراسی شدند و با استفاده از اهرم‌های سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای خود نقش پررنگی در سوق دادن دیگرگفتمان‌ها چون گفتمان سلطه‌گرایی غرب، گفتمان نظام‌های مستبد و گفتمان نئوسلفیسم به مقابله با نظام اسلامی ایران و جریان مقاومت اسلامی ایفا کردند. بنابراین یکی از اهداف سیاسی گسترش کنش‌های شیعه‌ستیزانه، محدود کردن قدرت‌های شیعی مانند نظام اسلامی در ایران در جایگاه محور مقاومت ضد صهیونیستی در منطقه بوده است. آمریکا و متحدانش با ترغیب دولت‌های عربی به شیعه‌ستیزی و کمک به فعالیت گروه‌های تکفیری شیعه‌ستیز در کشورهای عربی نظیر عراق، سوریه و لبنان به دنبال انزوای محور مقاومت بوده و هستند؛ از این رو جهان عرب در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی شاهد ظهور و رشد عجیب جریان‌های تکفیری متعدد با نام‌های متفاوت بود که همه یک هدف را دنبال می‌کردند و آن هم مقابله با مقاومت اسلامی بود. هدف حکومت‌های عربی که پشت این جریان بودند کشاندن پای جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان شیعه به جنگ فرقه‌ای بود تا از هدف اصلی محور مقاومت یعنی مقابله با رژیم صهیونیستی بازمانند. رژیم صهیونیستی و رژیم‌های عربی بر این باور بودند با این کار جهان تسنن علیه مجموعه مقاومت برانگیخته خواهد شد و به منزوی شدن مسلمانان شیعه در جهان خواهد انجامید. (مهتدی، ۱۳۹۱: کد۰۷۴۷۱۹۱۳) بر همین

اساس برخی نظام‌های عربی مانند سعودی، امارات و اردن در تبشیر ترور علیه شیعه با آمریکا و اسرائیل هم‌پیمان شدند. (خرازی، ۱۳۹۳: ۱) ترویج آگاهانه سلفی‌گری تکفیری برای ایجاد یک سازه ژئوپلیتیک برای مقابله با ژئوپلیتیک مقاومت در دستور کار این رژیم‌ها قرار گرفت (رشتو، ۱۳۹۱: ۳۴۳) و معارضه آشکار عربستان وهابی علیه ایران شیعی منجر به «هویت‌ی شدن و حتی مذهبی شدن رقابت‌های ژئوپلیتیکی» در جهان اسلام گردید. (اختیاری امیری، ۱۳۹۴: ۱۲۵) سعودی‌ها آگاهانه به رویکرد فرقه‌گرایی خشن علیه ایران روی آوردند. (کدیور، ۱۳۷۴: ۲۱۷ - ۲۱۸) به دنبال این رویکرد ده‌ها گروه تروریستی در کشورهای عربی شیعه‌نشین مانند عراق، سوریه، لبنان و یمن تأسیس شدند که خروجی آنها قتل هزاران شهروند عرب شیعه و سنی بود. بدین سان سعودی‌ها به مهم‌ترین منبع تأمین بودجه برای تمام این گروه‌های تروریستی شیعه‌ستیز تبدیل شدند. (Cockburn, ۲۰۱۳: ۱)

علل مذهبی (فرقه‌ای)

مطابق دیدگاه جامعه‌شناسان، مذهب پدیده فکری شایع بین مردم است. درحالی‌که فرقه‌گرایی چنین نیست؛ هرکس می‌تواند در هر زمانی پیرو مذهبی بشود، درحالی‌که این شخص تا زمانی که قدرت آزار رساندن به طائفه و فرقه معینی را پیدا نکند، نمی‌تواند فرقه‌گرا باشد. (العلوی، ۱۳۷۴: ۲۷۱) تبعیض فرقه‌ای، بالاترین مراحل تبعیض در جامعه بشری است و علی‌رغم قساوت و زشتی تبعیض نژادی، تبعیض فرقه‌ای از آن پست‌تر و قبیح‌تر است، زیرا تبعیض نژادی مشروط به وجود دو نژاد یا دو نوع یا دورنگ از بشریت است؛ مانند سفید و سیاه، آریایی و سامی، اروپایی و آفریقایی. بنابراین ممکن است طرفداران تبعیض نژادی، برای اعمال تبعیض و ظلم و ستم، اختلاف در رنگ، نژاد و منافع نژادی را بهانه کنند. درحالی‌که تبعیض فرقه‌ای بسیاری از مواقع در میان یک نژاد واحد و یک زبان واحد و یک دین واحد صورت

می‌گیرد؛ مانند تبعیض فرقه‌ای خشن در عربستان سعودی که نسبت به مسلمانان هم‌زبان، هم‌نژاد و هم‌وطن به دلیل شیعه بودنشان انجام می‌شود. گاهی فرقه‌گرایان برای توجیه تبعیض طایفه‌ای، هم‌نژادان خود را که متعلق به مذهب رقیب هستند از نژاد دیگری قلمداد می‌کنند؛ برای مثال طائفه‌گرایان در عراق و بحرین، هم‌وطنان عرب شیعه خود را به فارس بودن متهم می‌کنند. (العلوی، ۱۳۷۴: ۲۷۴)

تأثیر متغیرهای سیاسی بر مذهبی در شیعه‌ستیزی

واقعیت این است فرقه‌گرایی تنها منحصر به گروه‌ها و جریان‌ات فرقه‌گرا نیست، بلکه همانند تکفیر و تروریسم، فرقه‌گرایی نیز می‌تواند دولتی (رسمی) و غیردولتی (غیررسمی) باشد. البته بین طائفه‌گرایی و تکفیر باید تفاوت قائل شد. طائفه‌گرایی بر محوریت فرقه خود تأکید می‌کند و سعی در محدود کردن هواداران فرقه مقابل را دارد و در این مسیر گاه ممکن است به تفتیش عقاید و زیرپا گذاشتن حقوق افراد منتسب به فرقه مقابل اقدام کند اما این رویه تا هنگامی که به کافر و مشرک شمردن فرقه مقابل نینجامد، طائفه‌گرایی نام دارد، ولی وقتی طائفه‌گرایی به متهم کردن فرقه مقابل به شرک و کفر رسید «تکفیر» نام دارد. به عبارت دیگر تکفیر وجه تغلیظ شده طائفه‌گرایی است که در اسلام به شدت از آن منع شده است. (مقدسی، ۱۳۸۸: ق: ۹/ ۲۰۱)

در جهان عرب معاصر اندیشه موسوم به سلفیه بستر اصلی تکفیر بود. سلفیه اگرچه دارای طیف‌های مختلفی است، ولی سلفی‌ها در اصالت روش نقلی، پرهیز از عقل‌گرایی و تأویل، سنت‌گرایی افراطی، مبارزه مبتنی بر رفتارهای خشن و ضعف تفکر ایجابی و تأثیرپذیری از نفوذ قدرت‌های خارجی اشتراک دارند. (فیرحی، ۱۳۹۲: ۴۲)

سلفی‌گری معاصر دنیای عرب، براساس معیارهای گوناگون دسته‌بندی شده است؛ سلفی‌های سنتی، حکومتی، جهادی و تکفیری رایج‌ترین این دسته‌بندی‌هاست (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۸۸) که در این میان سلفیت تکفیری که بعضاً به نام جریان

وهابیت خوانده می‌شود به صراحت مسلمانان دیگر را به خاطر اموری مانند توسل، تبرک و زیارت بزرگان و اولیاء الله مشرک می‌خواند و فرقی میان زیارت و عبادت قائل نیست و بعضاً مفتیان این جریان قائل به قتل مخالفان تفکر خود در عالم اسلام هستند. (ابن ابی العز الحنفی، ۲۰۰۵: ۲۸۸ و ۴۲۶؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۶/۶۰) در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی، سلفیه، بیشتر از قبل به رادیکالیسم تمایل یافت؛ به گونه‌ای که بسیاری از اقدامات افراط‌گرایانه و خشونت‌آمیز این دو دهه از سلفیان تکفیری صادر می‌شد. (فیرحی، ۱۳۸۷: ۷۸) این گفتمان قبل از اینکه به فکر گفت‌وگو و رقابت مسالمت‌آمیز فکری با دیگر رقبای خود در جهان اسلام باشد به فکر مشرک شمردن آنان و حذف آنهاست (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۹) و مخالفان و مخالفان خود ولو از اهل تسنن را مرتد و هم‌پیمان روافض و واجب القتل تلقی می‌کند (زرقاوی، ۱۴۲۷: ۵۹۳ و ۵۹۴) و قتل عام غیرنظامیان را با توجیهاتی نظیر ترس^۱ مجاز می‌داند. (میرزایی، ۱۳۹۷: ۹) استفاده ابزاری از سلفیه تکفیری توسط قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی آنان را تبدیل به موفق‌ترین و پرصداترین جریان در جهان عرب و اسلام نمود (فیرحی، ۱۳۸۷: ۷۸) و رویدادهای بسیار خشنی را به وجود آورد. (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴: ۲۰)

تکفیر رسمی (حکومتی) در جهان عرب

جریان تکفیر به دو دسته تکفیر رسمی (Official Takfir) (حکومتی، دولتی) و غیررسمی (Unofficial Takfir) (غیرحکومتی غیردولتی) تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی مشابه تقسیم فتوا به رسمی و غیررسمی (حجازی، ۲۰۱۹: ۱) و تقسیم تروریسم به دولتی (State terrorism) و غیردولتی (Non-Governmental Terrorism) است در تکفیر رسمی مفتی یا نهاد افتاء رسمی نزدیک یا وابسته به حکومت، فتوای تکفیر مسلمانان دیگر را صادر

۱. ترس به قاعده فقهی گفته می‌شود که طبق آن کشتن کسانی که دشمن از آنها به عنوان گروگان استفاده کرده است جایز می‌شود. (قاسم میرزایی، ترس: ۹)

نموده و این فتاوا مبنا و توجیه‌کننده عمل حاکمان، نظامیان و هواداران حکومت در تعرض به آن مسلمانان قرار می‌گیرد. از آنجاکه به فرموده امام علی (ع) مردم بیشترین الگوپذیری را از حاکمان خود دارند (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳ ش: ۲۰۸)، تکفیر پیروان یک مذهب توسط حاکمان، موجب تبعیت بی‌چون و چرای بخش عمده‌ای از مردم می‌شود؛ لذا تکفیر رسمی اصل و اساس تکفیر محسوب می‌شود. متأسفانه در عصر حاضر اندیشه تکفیر به صورت ایدئولوژی رسمی حاکمان عربستان سعودی جلوه‌گر شده (امین‌العاملی، ۱۴۲۸: ص، ۵۵، ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۹) و تکفیر مسلمانان غیروهابی رسماً توسط نهادهای رسمی افتاء عربستان سعودی به شدت ترویج و تبلیغ می‌شود. سعودی‌ها که داعیه رهبری دنیای اسلام را دارند و با بهره‌گیری از پول نفت و موقعیت حج به ترویج دیدگاه تکفیر خویش می‌پردازند و تکفیر بخش عمده‌ای از مسلمانان، از جمله ایرانیان شیعه، موضع رسمی عربستان به شمار می‌رود. (قاووق، ۱۳۹۵، کد: ۳۹۳۲۷۰).

تکفیر غیر رسمی (غیر حکومتی) در ممالک عربی

تکفیر غیر رسمی زمانی است که از جانب جریان‌های غیر از حکومت رسمی علیه بخشی از جامعه اسلامی و اهل قبله ادعا و اعلام کفر شود؛ البته تکفیر غیر رسمی کاملاً تحت تأثیر تکفیر رسمی و دولتی است؛ برای مثال دیدگاه عربستان سعودی در مورد مشرک شمردن ایرانیان شیعه در گروه‌هایی مانند طالبان، داعش و القاعده کاملاً درونی شده است (هانتر، لوب لاگ، ترجمه دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۵ کد: ۱۹۶۳۱۷۰) برای فهم ماهیت ضد شیعی تکفیر غیر رسمی در دنیای عرب آثار ذیل قابل ذکرند: رسائل من فقه الجهاد (فقه الدّماء)، نوشته ابو عبدالله المهاجر؛ ادارت التوحش اخطر مرحله ستم به الامّه، اثر ابی بکر الناجی (ادریس هانی، ۱۳۹۳: ۴/۵۵۱) و المذکره الاستراتیجیه یا یادداشت‌های راهبردی، نوشته عبدالله بن محمد (نصری، ۱۳۹۶: کد: ۱۹۷۱۰۳۷) در

فقه الدماء، نویسنده کتاب، آقای ابو عبد الله المهاجر المصری، بر قتل مسلمانان شیعه تأکید دارد و اساساً هرگونه تمییز و تفکیک میان نظامی و غیرنظامی را باطل می‌داند. (عشوری مقدم، ۱۳۹۵: ۱) المهاجر نه تنها کشتن همه مخالفان حتی زنان و کودکان و سالخورده‌گان را جایز می‌داند، بلکه «مثله کردن اجساد»، «عملیات انتحاری»، «ربایش»، «ترور» و تاکتیک‌های مختلف ایجاد ترس و وحشت را مورد تأیید سیره صحابه می‌داند و ادای شهادتین و اصرار بر انجام شعائر اسلامی همانند نماز را نیز مانع از کشتن شیعیان و حتی کودکان آنها قلمداد نمی‌کند. (المهاجر، [بی‌تا]: ۱۴۷) تکفیری‌ها شیعیان را عدو القریب و صهیونیست‌ها را عدو البعید می‌دانند و بر این باورند که قبل از عدو البعید (صهیونیست‌ها) باید با عدو القریب (مسلمانان شیعه) مبارزه کرد. (بسام، ۲۰۱۴: مصری الیوم، کد ۴۷۹۶۲۶) طبعاً این اندیشه بسیار مطلوب غربی‌ها و رژیم صهیونیستی است و مورد استقبال آنها قرار گرفته است. (علی یاری، ۱۳۹۴: ۱۱۹) تکفیر غیر رسمی امروزه در گروه‌های تکفیری مانند القاعده و داعش جلوه‌گر شده که نطفه این جریان‌ها رادیکال در جهان عرب معاصر توسط افغان‌العرب‌ها، در جنگ افغانستان بسته شد و القاعده چونان مادر گروه‌های تندرو تروریستی تکفیری موفق شد در چند دهه اخیر، شبکه‌ای از گروه‌های خشونت طلب را در دنیا ایجاد کند و در جنگ عراق و سوریه گروه‌هایی نظیر النصره و داعش به وجود بیاید. (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۴)

تأثیر سیاست بر صدور فتاوی تکفیر و شیعه‌ستیزی

فتاوی تکفیر اهل قبله مسئله‌ای بسیار خطرناک معرفی شده است. با این حال برخی مفتیان به راحتی فتاوی کفر مسلمانان دیگر را صادر می‌کنند. این فتاوا پیش از اینکه استناد قرآنی و روایی داشته باشد، از جهالت، تعصب و ناآگاهی سرچشمه گرفته است. (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۲) بنابراین یکی از علل مهم صدور و تأثیر فتاوی ضد شیعی

عدم شناخت صحیح و واقعی از اعتقادات مسلمانان شیعه است. (خامنه ای، ۲۶/۵/۱۳۹۴: کد ۳۰۵۲۴) مقایسه کنش های مفتیان سعودی، قطری و حتی بخشی از مفتیان مصری در قبال وقایع اسلام ستیزانه دولت های غربی و رژیم صهیونیستی با موضعی که آنان در مقابل دولت های عربی عراق (بعد از ۲۰۰۳) و سوریه (بعد از ۲۰۱۱) گرفتند، اوج نگاه طائفه گرایی و فرقه گرایی در جهان عرب را نشان می دهد و این موضوع را اثبات می کند که بعضی از صاحبان فتوا به جای نگاه کلان اسلام گرا، نگاه سطحی و فرقه گرا دارند؛ آنها در وقایع اسلام ستیزانه غرب تا شرق عالم از میانمار تا فلسطین هیچ گاه به صورت فراگیر جوانان مسلمان را به دفاع از اسلام و مسلمین فرانخوانند یا واکنشی که نشان دادند اصلاً قابل مقایسه با واکنش آنان در مقابل وقایع عراق و سوریه نبود، اما هنگامی که مسلمانان شیعه عراق در یک پروسه آرام پس از سقوط صدام از طریق مسالمت آمیزترین راه یعنی صندوق رأی در بخشی از قدرت کشور عراق که در آن اکثریت داشتند سهم شدند، نه تنها برخی مفتیان قطری، مصری و... شدیدترین مواضع را اتخاذ کردند، بلکه در یک اقدام مشترک ۳۸ شیخ و مفتی وهابی سعودی در ششم دسامبر ۲۰۰۶ در جریان خشونت های مذهبی متعاقب انفجار حرمین امامین عسکریین (ع) با صدور فتوایی مسلمانان شیعه عراق را تکفیر کردند و فراخوان جهاد علیه آنان دادند. در رأس فهرست اسامی این بیانیه، شیخ عبدالله بن جبرین و عبدالرحمان بن ناصر البراک از هیئت کبار علمای سعودی قرار داشتند. (مشرق، ۱۳۹۴: ۲۱ دی) مفتیان سعودی مشابه همین فتاوی تند و خونین را علیه دولت سوریه نیز صادر کردند و این منحصربه عربستان سعودی نبود، بلکه یوسف القرضاوی در اتحادیه خودخوانده «علمای مسلمان» مستقر در قطر نیز همین موضع را گرفت و کوشید بیش از یکصد نفر از عالمان عضو این اتحادیه را به اعمال همین موضع و فتوا راضی نماید. (مشرق، ۱۳۹۲: ۲۶ مرداد) این در حالی بود که این شیوخ و مفتیان قبلاً در مقابل سرکوب گری های بی رحمانه و خشن صهیونیست ها در

لبنان و فلسطین، کشتارهای صدام علیه مسلمانان شیعه و سنی عراق و... هیچ‌گاه این‌گونه مواضع و فتاوی‌ها هماهنگ، تند و خشن را نداشتند، ولی به گفته‌ی سالم بن حمید، نویسنده‌ی اماراتی، به‌راحتی علیه کشورهای سوریه و عراق کیلوکیلو فتوا صادر کردند. (بن حمید، ۱۳۸۹/۹/۷) نگاهی به انبوه فتاوی‌ی صادره علیه مسلمانان شیعه خصوصاً در چهار دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد که یک مدیریت کلان پشت پرده در ترویج و تبلیغ‌گزینشی فتاوی‌ی تکفیری قرار دارد و مدیریت طرح سؤال و سپس اخذ و صدور فتوای تکفیری را در دست دارد و چه بسا یک سؤال را که می‌تواند جنبه‌ی تقریب و عدم نزاع طائفی داشته باشد به صورتی ارائه می‌کند که دقیقاً از درون آن سؤال، فتوای نزاع و تفرقه‌ی طائفی استخراج شود. (jamnews، ۱۳۹۲، کد ۲۰۵۹۸۰۵۰).

نتیجه

از مباحث گذشته این نتیجه حاصل شد که پدیده شیعه‌ستیزی، شیعه‌هراسی، خشونت طائفی و به عبارت دیگر کنش‌های شیعه‌ستیزانه در نقاط مختلف جهان عرب و رشد آن در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی قبل از اینکه یک پدیده مذهبی و فرقه‌ای باشد، بیشتر یک پدیده سیاسی است، چراکه اختلاف‌نظرهای مذهبی همواره وجود داشته و دارد، اما تبدیل این اختلاف مذهبی به درگیری و تنش در نتیجه برنامه‌ریزی، ورود و دخالت سیاست‌ورزان بوده است. بنابراین تنش میان فرقه‌ها را باید تنش بین نظام‌های سیاسی دانست و هنگامی که حکومت‌ها مشکلات سیاسی خود را حل کنند تنش‌های فرقه‌ای نیز تا اندازه زیادی فروکش خواهد کرد، منتها تفاوت زمان حال با گذشته این است که قبلاً انگیزه و اراده سیاسی برخی سیاست‌ورزان برای ایجاد اختلاف مذهبی تنها یک مؤلفه درونی بود، ولی اکنون فراتر از مؤلفه درونی تأثیر عوامل بین‌المللی انکارناپذیر است که همان اراده سیاسی قدرت‌های بزرگ برای حفظ تسلط هژمونیک بر جهان و سرکوب مخالفان و برکشیدن موافقان است که بیشتر به صورت قدرت هژمونی و اقتدار سیاسی-اقتصادی ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان او جلوه‌گر شده و چون جریان مقاومت به رهبری نظام اسلامی ایران این تسلط هژمونیک را به چالش کشیده، مورد ستیز آمریکا و هم‌پیمانانش واقع شده است؛ بنابراین امروزه اگر اراده سیاسی کلان بر شیعه‌ستیزی و شیعه‌هراسی نباشد، مؤلفه‌های دیگر محدود خواهند ماند؛ یعنی علل دیگر علل کافی‌اند، ولی علت تام و لازم در شیعه‌ستیزی معاصر اراده سیاسی است که شامل اراده سیاسی بیرونی قدرت‌های هژمونیک غربی (بیرون از جهان اسلام) و به تبع آنها اراده سیاسی داخلی (نظام‌های سیاسی وابسته در کشورهای اسلامی) است.

منابع

قرآن کریم

ابراهیمی خوجین، محمدتقی. (۱۳۹۱). «آزادی و دموکراسی، دو گوهر گمشده در چاه نفت ژئوپلیتیک شیعه». چکیده مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. قم: آشیانه.

ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی، (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

احمدی لفورکی، بهزاد. (۱۳۸۶). «جامعه شیعی در عربستان سعودی». پگاه حوزه. ۲۶ آبان ۱۳۸۶. شماره ۲۱۷.

احمدی، حمید؛ حسن علیزاده. (۱۳۸۹). «بازتولید تاریخی نگرش‌های ذهنی در اندیشه سیاسی عرب». فصلنامه مطالعات سیاسی. تابستان ۱۳۸۹. شماره ۸. ص ۱-۲۸.

احمدی، سید عباس. (۱۳۹۰). ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه. تهران: اندیشه‌سازان نور.

اختیاری امیری، رضا. (۱۳۹۴). «تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه». اندیشه سیاسی در اسلام. زمستان ۱۳۹۴. شماره ۶. ص ۱۲۵-۱۴۹.

امین عاملی، محسن، (۱۴۲۸). کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، تحقیق، حسن الامین، بیروت: بی جا.

بصیری، محمدعلی و الهه سالدورگر. (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه آیت‌الله سیستانی در مسائل عراق». چکیده مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. قم: آشیانه مهر.

بصیری، محمدعلی و سمیرا نساجی. (۱۳۹۱). «تأثیر انقلاب اسلامی بر مشارکت سیاسی شیعیان». چکیده مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. قم: آشیانه مهر.

پرسمان دانشگاهیان (۱۳۸۹). «نقد اقدامات وهابیان در مقاله سالم بن حمید (نویسنده و از نزدیکان شیخ محمد بن زاید آل نهیان)». ترجمه شده با عنوان «وهابیت». در مقاله نویسنده اماراتی. ۱۳۸۹/۹/۷.

پورحسن، ناصر و عبدالمجید سیفی. (۱۳۹۴). «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام»، نشریه شیعه‌شناسی، دوره ۱۳. شماره ۵۲. زمستان ۱۳۹۴.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴). «صادرکنندگان فتوای تکفیر و ترور را بهتر بشناسیم». مشرق. ۲۱ دی ۱۳۹۴.

خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۴). بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، تهران: ۱۳۹۴/۵/۲۶

داودی، مهدی، و مهرنوش ابوذری. (۱۳۹۱). «بررسی شیعه‌هراسی، دلایل و اهداف». چکیده‌ی مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. قم: آشیانه مهر.

رجبی، حسین. (۱۳۸۸). بررسی فتوای تکفیر در نگاه مذاهب اسلامی مولف: حسین رجبی، تهران: مشعر.

رشتو، نبی‌الله. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیرات ژئوپلیتیک شیعه بر جهت‌گیری سیاسی و ایدئولوژیکی در تحولات کنونی خاورمیانه». چکیده‌ی مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. قم: آشیانه مهر.

زارع خورمیزی، محمدرضا. (۱۳۹۹). «گونه‌شناسی جهان تکفیر در جهان اسلام بر اساس خاستگاه سیاسی». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دهم شماره ۱. پیاپی ۳۴. بهار ۱۳۹۹. — (۱۴۰۰). «گونه‌شناسی و علل شیعه‌ستیزی معاصر». دوفصلنامه شیعه‌پژوهی. دوره ۷. شماره ۲۰. بهار و تابستان ۱۴۰۰.

— (۱۳۹۵). نسل‌کشی سادات و مسلمانان شیعه. تهران: نشر مشعر.

زرقانی، سید هادی و معصومه قلی‌زاده. (۱۳۹۱). «بررسی تحولات اخیر خاورمیانه و تأثیر آن بر نقش و جایگاه شیعیان». چکیده‌ی مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. قم: آشیانه مهر.

زرقانی، سید هادی؛ ابراهیم احمدی. (۱۳۹۶). «شیعه‌هراسی به مثابه قلمروسازی گفتمانی محور «غربی-عربی» در بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه (مطالعه موردی: بحران سوریه)». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم بهار ۱۳۹۶ شماره ۱ (پیاپی ۴۵).

ستوده، محمد و سید مهدی علیزاده موسوی. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیرات سلفی‌گری تکفیری بر بیداری اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی (باقرالعلوم) سال هفدهم بهار ۱۳۹۳ شماره ۶۵.

سیفی، عبدالمجید؛ مهرداد عله‌پور و معصومه میزایی. (۱۳۹۵). «افراط‌گرایی در جهان عرب زمینه‌های فکری و عوامل خارجی». اندیشه سیاسی در اسلام. زمستان ۱۳۹۵. شماره ۱۰، (۱۶ صفحه - از ۱۰۹ تا ۱۲۴).

عشوری مقدم، محمدرضا. (۱۳۹۷). مانیفست توحش در فقه داعش. مرکز جامع پژوهش‌های تکفیری. تاریخ انتشار: ۱۳۹۷ / ۳ / ۲۲.

علوی، حسن. (۱۳۷۴). شیعه و حکومت در عراق ۱۹۱۴-۱۹۹۰. ترجمه: محمدنبی ابراهیمی. تهران:

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.

العلوی، حسن. (۱۳۷۴). شیعه و حکومت در عراق. ترجمه محمد بنی ابراهیمی. تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.

علیزاده موسوی، سید مهدی. (۱۳۹۴). «جریان‌شناسی سلفی‌گری مطالعه تنوع حاکم بر جریان‌های سلفی و زمینه‌های شکل‌دهنده به آن». فصلنامه روابط فرهنگی. دوره ۱. شماره ۱. پاییز ۱۳۹۴.

_____. (۱۳۹۶). وارونگی نقد و بررسی مبانی فکری جریان‌های تکفیری با تأکید بر داعش. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

فولر، گراهام، و رند رحیم فرانکه. (۱۳۸۳). شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده. مترجم: خدیجه تبریزی. قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.

فهیمی، زهرا. (۱۳۸۹). «نقش سران عرب در گسترش شیعه‌هراسی». چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی..

فیرحی، داود. «فقه تکفیر و تحولات آن در اندیشه معاصر اهل سنت (سخنرانی علمی)». مؤسسه فهیم. قم: ۱۳۹۳/۷/۱۲.

_____. (۱۳۹۲). «همزادی با بحران: بررسی جریان فکری سلفی (مصاحبه)». ماهنامه سیاسی - تحلیلی همشهری دیپلماتیک. شماره ۱۰۷۹. دی ۱۳۹۲.

کلان فریبایی، محمدرضا و مرتضی شیرودی. (۱۳۹۶). «گفتمان سیاسی شیعی؛ جهانی شدن و بازتولید سلفی‌گری معاصر». شیعه‌شناسی. دوره ۱۵. ش ۵۸.

لگن‌هاوسن، محمد. (۱۳۸۸). «شیعیان آمریکا؛ وضعیت کنونی پس از ۱۱ سپتامبر». فصلنامه شیعه‌شناسی. تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۰ (۲۰ صفحه - از ۱۸۷ تا ۲۰۶).

المعشنی، علی بن مسعود. (۱۳۹۱). «آل سعود فرافکنی می‌کند». شیعه نیوز. ۱۳ دی ۱۳۹۱. کد ۵۰۱۸۴.

ملکی، صادق. (۱۳۸۹). «هلال شیعی در دایره اهل تسنن». دیپلماسی ایرانی. کد: ۷۶۷۶.

المهاجر، ابو عبدالله. (عبدالرحمن العلی) (۲۰۱۶). «مسائل في الجهاد او (فقه الدماء)». بازخوانی عشوری مقدم. مانیفست توحش در فقه داعش. طومار اندیشه. ۲۰۱۶/۰۶/۰۴.

مهتدی، محمدعلی. (۱۳۹۲). «تلاش برای حصر ایران در کمربندی از وهابیت». درس‌هایی از مکتب اسلام. شهریور ۱۳۹۲. (۷ صفحه - از ۶۰ تا ۶۶)

_____. (۱۳۹۱). «درگیری شیعه و سنی ابزاری برای مهار نفوذ ایران». تحریریه دیپلماسی ایرانی. شنبه

۱۲ اسفند ۱۳۹۱.

نصری، قدیر. (۱۳۹۱). «الگوی روان‌شناختی برای تخمین وزن شیعیان در منطقه خاورمیانه کنونی». چکیده مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه. قم: آشیانه مهر.
هانتز، شیرین. (۱۳۹۵). «هدف سعودی‌ها از مجوس خواندن ایرانیان چیست؟». لوب لاگ. ترجمه تحریریه دیپلماسی ایرانی. تاریخ انتشار شنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۵.

Kedourie, Elie (April 1988). "Anti-Shi'ism in Iraq under the Monarchy". Middle Eastern Studies.
Patrick Cockburn (2013) Mass murder in the Middle East is funded by our friends the Saudis, The Independent, Sunday 8 December 2013.

Shia Rights Watch. Retrieved "Anti-Shi'ism". 11 December 2012.

منابع اینترنتی

<http://hadith.net/post/453>

<https://bookroom.ir/book/9710>.

<https://civilica.com/doc/1147767/>

<https://fa.alalamtv.net/news/1705645>.

<https://fa.alalamtv.net/news/1707400>

<https://fa.alalamtv.net/news/1708181>

<https://fa.alalamtv.net/news/1962621>

<https://fa.alalamtv.net/news/325804/>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524>

<https://lib.eshia.ir/advanced-search>

<https://rasekhoon.net/article/show/208557>

https://www.ghbook.ir/index.php?option=com_dbook&task=viewbook&book_id=7739&lang=fa

<https://www.magiran.com/paper/2213289>

<https://www.noormags.ir/>